

آموزش زبان در بستر مجازی

روش‌های نوین آموزش زبان

می‌توان ادعا نمود که در میان تمامی رشته‌های علمی، آموزش زبان همیشه جایگاه، ویژگی‌ها و دشواری‌های مخصوص به خود را داشته است. به دلیل وجود همین دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها، عالمان این حوزه همواره در جست‌وجوی نظریه‌ها، روش‌ها و ابزارهای جدید برای بهبود، بهینه‌کردن شرایط متفاوت و سازگار شدن با آنها هستند. مقایسه روش‌های آموزش زبان‌های خارجی در گذشته و حال، نمایانگر تفاوت‌ها و البته به تبع آن، پیشرفت‌های بسیار در این حوزه است. نگاهی به گروه‌های آموزش زبان و سرفصل‌های این رشته نشان می‌دهد که در تحولات و پیشرفت‌های موجود در این حوزه، دو عنصر به طور برجسته خودنمایی می‌کنند؛ نخست دیدگاه‌ها و نظریه‌های زبان‌شناسی نوین است. حتی می‌توان آموزش زبان را زیرمجموعه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی دانست. به پیروی از نظریه‌های گوناگون زبان‌شناسی، که خود حاصل نگاه‌های مختلف از زوایای متفاوت به زبان هستند، جهت‌گیری‌ها و روش‌های گوناگون آموزش زبان به وجود آمده‌اند. دومین عنصر برجسته در این رشته، که هر روز خود را بیشتر به رخ می‌کشد و تحولات آن روزبه‌روز رو به جلو در حرکت است، به کارگیری آخرین دستاوردهای فناوری‌های نوین است. شاید روزی حضور ابزارهای ضبط و پخش صدا تحولی بزرگ در این امر به شمار می‌رفت؛ اما امروزه حضور این فناوری در کلاس‌ها و استفاده از

مهدی رستمی*



* آموزش زبان در بستر مجازی.

* نادر حقانی.

* چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.

درباره نویسنده

نادر حقانی دارای دکترای رشته «آموزش زبان آلمانی در بستر مجازی» از دانشگاه بیله‌فلد آلمان است. تحقیقات و تألیفات وی تا کنون در حوزه‌های آموزش زبان، ترجمه‌شناسی و فرهنگ آلمان و آموزش الکترونیکی صورت گرفته است و مقالات وی در زمینه‌های محیط‌های یادگیری الکترونیکی، آموزش ترجمه، سیاست‌های آموزش زبان خارجی و مهارت‌های فرهنگی و زبانی در مجلات فارسی و لاتین به چاپ رسیده‌اند. وی هم‌اینک استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران است.

آن در امر آموزش، بسیار متداول و رایج گشته است. باید توجه نمود که پیدایش و رواج همین ابزارها و فناوری‌هایی از این دست بود که موجب تغییر آموزش از روش‌هایی همچون دستور ترجمه، یا روش مستقیم، به روش‌هایی مؤثرتر همچون شیوه‌های شنیداری با تکیه بر تمرین و تکرار فراوان شد. اما در دهه‌های اخیر، فناوری جدید دیگری نیز به حوزه آموزش زبان راه یافته است که می‌تواند تحولاتی چشمگیر در این زمینه به وجود آورد و آن، فناوری اطلاعات است.

آموزش زبان در ایران

دکتر عاصی (۱۳۸۳) با ذکر این موضوع که از طرفی، سال‌هاست در ایران زبان عربی و یکی از زبان‌های اروپایی جزئی از برنامه آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها به شمار می‌رود و از طرفی دیگر، شاهد هجوم دانش‌آموزان و دانشجویان و دیگر افراد به مؤسسه‌های خصوصی برای یادگیری زبان‌های خارجی هستیم، نتیجه می‌گیرد که این دو امر، نشان‌دهنده چند واقعیت هستند: نخست آنکه برنامه‌ریزان آموزش و پرورش نیاز به آموختن زبان‌های بیگانه را شناخته‌اند و آن را تأیید می‌کنند؛ مردم نیز این نیاز را داشته و خواستار یادگیری زبان‌ها هستند؛ اما واقعیت دیگر که تلخی آن هشداردهنده است این است که حدود شش سال آموزش زبان‌های خارجی در مدرسه و چند سال در دانشگاه، پاسخگوی این نیاز نیست. وی سپس این سؤال را مطرح می‌کند که «به راستی در دوران زندگی خود و در میان اطرافیان چند نفر را می‌توانیم ببینیم که تنها با بهره‌گیری از آموزش‌های دبیرستانی، یک زبان را در حدی قابل استفاده فراگرفته باشند؟». می‌توان مدعی بود که تمامی تلاش‌های صورت گرفته و هزینه‌های مصرف‌شده، بی‌ثمر و بدون نتیجه بوده است.

جدا از مباحث مربوط به تعاریف و نظریه‌های سودمند برای آموزش زبان، یکی از علل این بی‌ثمر بودن را می‌توان در فقدان روش‌ها و ابزارهای مناسب دانست. کتاب‌های آموزشی، کتاب‌های کمک‌آموزشی، فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها، هم برای دانش‌آموزان و هم برای دبیران، ناکارآمد و با بازدهی اندک است. در این میان می‌توان راه‌حلی برای بهبود اوضاع و نزدیک شدن به هدف آموزش، که همانا بازده نظام آموزش زبان، چه در دبیرستان‌ها و چه در دانشگاه‌ها و چه در کلاس‌های خصوصی است، را پیشنهاد نمود.

سهل‌الوصول‌ترین راه‌حل، الگوبرداری کامل از برنامه‌های آموزشی دیگر کشورهاست؛ راه‌حلی ناموفق که به خاطر لحاظ نکردن شرایط و امکانات موجود و نیازهای جامعه، منجر به بدتر شدن اوضاع می‌شود. اما راه‌حل معقول‌تر، استفاده از تجربیات دیگران با توجه به امکانات و توانایی‌های موجود است. تهیه

کتاب‌های متناسب، از جمله کتاب‌های آموزشی و فرهنگ‌ها، و نیز بهره‌گیری از همه فناوری‌های نوین و به‌ویژه فناوری اطلاعات، در این میان سهمی مهم دارند.

درباره استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش زبان، روش‌هایی نسبتاً قدیمی را می‌توان ذکر کرد: «آموزش با کمک رایانه»^۱ و «آموزش زبان با کمک رایانه»^۲ نمونه‌هایی هستند که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با گسترش رایانه‌های شخصی به وجود آمدند.

ابزارهای چندرسانه‌ای امکان ایجاد ارتباط دوسویه زبان‌آموز و معلم، خصوصی‌سازی آموزش، توانایی تکرار و تمرین بالا، امکان پردازش سریع پاسخ‌ها و ارائه سریع نتایج، حوصله رایانه در تکرار، انعطاف رایانه در ارائه مطالب، عدم وابستگی آن به سرعت یادگیری و نیز مکان و زمان، نامحدود بودن حجم مطالب هر جلسه، ارزیابی هر جلسه، امکان پیشنهاد روش‌های بهتر به زبان‌آموز با توجه به ارزیابی‌ها، امکان تمرکز بر تمرین‌های یک مهارت خاص، امکان شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی زبانی، آموزش در قالب بازی و نیز امکان کار گروهی و بهره‌گیری در مراکز آموزش، از جمله مزیت‌های استفاده از رایانه در امر آموزش زبان هستند.

کتاب *آموزش زبان در بستر مجازی* به تفصیل به این حوزه از آموزش زبان می‌پردازد. نویسنده در پیش‌گفتار (ص ۱۴) متذکر می‌شود که پیدایش و گسترش اینترنت و تبدیل دستگاه بسته و منزوی کامپیوتر به ایستگاه یادگیری، که خود حاصل تحولات صورت گرفته در «فاوا» [= فناوری ارتباطات و اطلاعات] است، شکل‌گیری بستر یا محیطی مجازی و نوین را در کنار سه محیط عمده یادگیری زبان [یعنی خانواده، مدرسه و جامعه] به دنبال داشته است. وی محیط رایانه را محیط چهارم دانسته که هر روز سیطره‌اش را با سرعتی روزافزون و تنوعی قابل توجه بر محیط‌های دیگر عمق و گسترش می‌بخشد.

حقانی ادعا می‌کند (ص ۱۵) کتاب حاضر بر آن است تا در جهت ارتقای کیفیت محتوا، کاهش زمان آموزشی و ارتقای سرعت یادگیری، دست یافتن به اهداف تعریف‌شده تربیتی و آموزشی را سرعت می‌بخشد.

او متذکر می‌شود (ص ۱۷) که در محیط رایانشی می‌توان با پیش‌لحظه‌ای، مقطعی و دوره‌ای فرآیند یاددهی - یادگیری، مشکلات فرآیند را سریع‌تر شناسایی و برای حل آنها اصولی‌تر اقدام کرد. بدین منظور، هر دوره آموزشی در مراحل طراحی به پودمان‌های آموزش تقسیم می‌شود که بر اساس پارامترهای حجمی، موضوعی، وزنی (سختی یا آسانی)، توالی، تعامل و داده‌های ضروری تدوین می‌گردند. او مزیت این تقطیع دوره به پودمان‌ها و تقسیم محتوا به کوچک‌ترین «واحدهای یادگیری» که اصطلاحاً به آن «شیء یا قطعه یادگیری»

می‌گویند و غنی‌سازی آن به کمک ابزارهای نرم‌افزاری مربوط و پایش تعاملات «انسان - انسان» یا «انسان - ماشین» را در این می‌داند که این امر مدیریت آموزشی را قادر می‌سازد با رعایت اصول آموزشی و اهداف یادگیری، به متغیرهای مختلف آموزش زبان توجه نماید و بدین وسیله ابعاد گوناگون یادگیری زبان را با شیوه‌های متفاوت آموزش و با تکیه بر نظریه‌های نوین یادگیری تقویت نماید. کتاب آموزش زبان در بستر مجازی مشتمل بر ۳ فصل است. فصل اول نگاهی اجمالی به رسانه‌های آموزشی، مقوله آموزش مجازی، مؤلفه‌ها و پارامترهای آن و نهایتاً سامانه مدیریت یادگیری می‌اندازد. در فصل دوم، آموزش متعارف زبان بررسی شده و پس از بحثی درباره دانش، توانش و کنش زبانی، به مهارت‌های زبانی پرداخته می‌شود. سپس سه نظریه شناختی و نظریه سازگرای بررسی می‌گردد. شیوه‌های متعارف آموزش زبان نیز در این فصل معرفی می‌شود.

فصل سوم، با نام آموزش نوین زبان، ابتدا بستر مجازی را معرفی کرده و پس از بحثی با عنوان شبیه‌سازی شیوه‌ها، به موضوع خرده‌مهارت‌ها و مدل‌های مجازی می‌پردازد. در فصل اخیر، فضای مجازی به عنوان محیط چهارم پس از محیط‌های خانه، مدرسه و جامعه معرفی می‌شود؛ محیطی که بر بستر اینترنت استوار است.

نویسنده کتاب این محیط را همچون محیط آموزشی مدرسه، مبتنی بر زبان مکتوب می‌داند، که البته ابزارهای چندرسانه‌ای قابلیت بروز و آموزش زبانی سمعی را نیز در آن به وجود آورده است. او معتقد است (ص ۲۲۳) بستر مجازی به خودی خود هیچ گونه محدودیت نظری یا آموزشی ندارد و در صورتی که طراح درسی و تولیدکننده محتوای آموزشی سناریوی دقیقی از آنچه را که می‌خواهد در کلاس درس مجازی ارائه دهد، بر اساس نظریه یادگیری مورد نظر تدوین و تنظیم نماید، کارشناس فنی می‌تواند با توجه به ابزارهای موجود، تفکر آموزشی معلم را روی بستر مجازی در قالب درسی الکترونیکی پیاده سازد. در ادامه، شیوه‌های گوناگون آموزش زبان در فضای مجازی شبیه‌سازی می‌شوند و در هر مورد با ارائه تصاویر گوناگون، مطلب به نحوی عملی معرفی و توضیح داده می‌شود.

در بخش «خرده‌مهارت‌ها و مدل‌های مجازی» (ص ۲۴۱) ابتدا خرده‌مهارت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند که اولین گروه شامل خرده‌مهارت‌هایی است که ایجاد و تعمیق آنها اصولاً مبتنی بر نظریه رفتارگرایی است و گروه دوم آن دسته از خرده‌مهارت‌هایی است که کسب آنها عمدتاً بر پایه نظریه‌های شناختی و سازگرای قرار دارند. گروه اول مستلزم تکرار و تمرین است و گروه دوم درک مطلب و پردازش معلومات ذهنی زبان آموز

را می‌طلبد.

نویسنده به این امر توجه می‌کند که محیط مجازی با توجه به دسترسی دائمی و امکان نامحدود و تکرار مطالب و عدم اثرپذیری از شرایطی نظیر خستگی و احساسات روحی، زمینه ایجاد و تعمیق خرده‌مهارت‌های گروهی اول را به‌طور کامل فراهم می‌آورد. وی تأکید می‌کند که در گروه دوم در بستر مجازی با مشکلاتی مواجه می‌شویم و این امر مربوط به این واقعیت است که نرم‌افزارها بر اساس داده‌های از قبل وارد شده به پردازش اطلاعات می‌پردازند و از این رو هنوز از درک آنچه ماورای اطلاعات ذخیره‌شده وجود دارد و از نظر معنا وابستگی زیادی به ساختار زبانی و موقعیت بیانی دارد، عاجزند.

در بخش آخر کتاب، نویسنده دست به جمع‌بندی زده و نکاتی را متذکر می‌شود؛ از جمله آنکه با توجه به این واقعیت که کاربرد فضای مجازی در آموزش زبان مبتنی بر دانشی از فناوری‌ها اطلاعات است، آماده‌سازی معلمان و زبان‌آموزان با این فناوری‌ها ضروری است (ص ۲۶۱).

همچنین شرایط جدید ایجاد می‌کند که از قطب‌بندی کلیشه‌ای آموزش حضوری و مجازی دوری نمود تا ابعاد گوناگون فناوری نوین در جهت و در خدمت آموزش آینده به کار گرفته شود؛ چرا که آموزش در بستر مجازی نمی‌تواند تمامی مشکلات آموزش زبان را مرتفع سازد؛ اما می‌تواند آموزش را به شکلی جذاب‌تر، مؤثرتر و آسان‌تر سازد.

نویسنده در آخرین سطور (ص ۲۶۳) تأکید می‌کند که هدف از موضوعیت دادن به «آموزش زبان در بستر مجازی» و کاربرد آن، اصل بودن و جذابیت بستر مجازی نیست؛ بلکه به چالش کشیدن توانایی، قابلیت و در نهایت ارزش و امکان افزوده‌ای است که این بستر برای ارتقای کیفیت و محتوا و افزایش بهره‌وری ارائه می‌کند و در انتقال دانش زبانی و کسب مهارت‌های کلاسیک در اختیار زبان‌آموز، مدرّس و مراکز آموزشی قرار می‌دهد.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

1. Computer-Assisted Learning (CAL).
2. Computer-Assisted Language Learning (CALL).

کتابنامه

- عاصی، مصطفی، ۱۳۸۳، آموزش زبان، زبان‌شناسی، و فناوری اطلاعات، در: مجموعه مقالات دومین همایش آموزش الکترونیکی. تهران: شورای عالی اطلاع‌رسانی (تکفا).